

ملکات، مهارت ها و توانایی های نفس

محمد عالم زاده نوری

نفس انسان که در ابتدای تولد ضعیف، بسیط و بی رنگ است، به مرور زمان، توانایی های مختلفی کسب می کند و در گذر ایام صورت مشخصی می یابد. این توانمندی های ثابت نفس را «ملکه» نامیده اند. هر ملکه صفتی برای جان آدمی است که با اراده و اختیار او و بر اثر تکرار عمل، در طی زمان پدید آمده و پس از پیدایش، انجام عمل را سرعت و سهولت می بخشد.

ملکات نفس انسان را به چند گروه گسترده می توان تقسیم نمود:

الف) پاره ای از ملکات، «جسمانی» است و بیشتر در اعضای بدن ظهور و بروز دارد. به دست آوردن این دسته از مهارت ها «تربیت بدنی» به شمار می رود. مانند مهارت راه رفتن، شنا، سوارکاری و دیگر انواع ورزش های جسمی.

ب) پاره ای دیگر از ملکات، توانمندی های «ذهنی» هستند و به دست آوردن آن ها «تربیت ذهن» به شمار می رود. مانند ملکه تمرکز، دقت، یادسپاری، یادآوری، سرعت انتقال، قدرت تجزیه و تحلیل و نقادی، تفکر، برنامه ریزی، و انواع ورزش های فکری.

ج) دسته دیگری از ملکات، صفات «روحی» و «قلبی» انسان است که در کتب اخلاقی به آن ها پرداخته شده است. ملکه فاضله شجاعت، سخاوت، حلم، تواضع، تسلط بر نفس، صلابت و جدیت و ملکه رذیله نفاق، مکر، ریا و قساوت از این قبیلند. تحصیل ملکات فاضله اخلاقی «تربیت جان» و تلاش برای به دست آوردن قلب سلیم محسوب می شود.

د) ملکات پیچیده دیگری نیز وجود دارد که برآیند چندین توانایی مختلف در وجود آدمی است؛ مثلاً ملکه تندخوانی که محصول ترکیب توانایی چشم و تمرکز ذهن است. اکثر هنرها و حرفه ها مانند گلدوزی، آشپزی، نجاری، آهنگری، خاتم کاری و ... در این گروه جای می گیرند.

فواید ملکه

هر ملکه به منزله یک ابزار مفید و مؤثر در اختیار انسان است که از به کارگیری آن

با صرف توان کم، در زمانی اندک، بهره ای شایسته به دست می آید.

مثلاً اگر برای کندن یک گودال کوچک با انگشتان دست یک ساعت وقت نیاز باشد، با داشتن یک بیل در کمتر از یک ساعت می توان به سهولت و با به کارگیری تلاشی محدود، گودالی به مراتب، بزرگ تر فراهم آورد. هر چه این ابزار کارآتر و پیشرفته تر باشد، صرفه جویی بیشتر در زمان و توان می شود و بازده بالاتری به دست می آید. کسی که یک بلدوزر، کمباین یا کامپیوتر در اختیار دارد در زمانی کوتاه و با هزینه کردن نیروی بسیار اندک، کاری انجام می دهد که دیگران از انجام آن در روزهای متمادی با به کارگیری تلاشی

گسترده عاجزند.

ملکات نفس انسان نیز چنین است؛ صاحب ملکه باصرف توان اندک و دقت و توجه ناچیز و در زمان کوتاه، بهره‌ای فراوان کسب می‌کند.

نوشتن یک صفحه مطلب برای کودک مبتدی، نیازمند صرف توان جسمی و فکری گسترده و زمانی دراز است. محصول کار او هم ارزش چندانی ندارد. اما آن کس که ملکه خوشنویسی و خطاطی را کسب نموده با صرف زمان محدود، نیروی اندک و توجه کم، تابلویی ارزشمند و نفیس می‌آفریند. رانندگی برای مبتدی، بسیار دشوار و محتاج به کارگیری تمرکز زیاد و توجه بالا است و در همان حال خطرات فراوانی برای سرنشینان در پی دارد، اما آن کس که توانمندی رانندگی را داراست به هنگام رانندگی به چند کار دیگر نیز می‌پردازد، با دیگران گفت و گو می‌کند، به مناظر اطراف جاده می‌نگرد، میوه‌ای می‌خورد و بدون اعمال تلاش و توجه، استادانه اتومبیل را هدایت می‌کند و بی‌آن‌که حادثه‌ای بیافریند در زمانی کوتاه، مسافتی بلند را می‌پیماید. به همین گونه است حفظ یک قصیده برای انسان معمولی در مقایسه با کسی که ملکه حفظ را به دست آورده، یا نوشتن یک مقاله برای نوجوان تازه کار در مقایسه با نویسنده زبردست و یا حفظ حضور ذهن و حضور قلب در نماز^۱ برای مردم عادی در مقایسه با انسان‌های خودساخته که ملکه حضور یا خشوع را تحصیل نموده‌اند. بنابراین کاری که در ابتدا دشوار، پرزحمت و یا نشدنی به نظر می‌رسد همیشه این‌گونه باقی نخواهد ماند و به مرور زمان سهل و روان و امکان‌پذیر می‌گردد.

«سرعت»، «سهولت»، «کیفیت» و «وسعت» دست‌آوردهای پرارزش و مبارک ملکه است که هر انسان خردمند هدف‌دار را به تحصیل توانمندی‌های ثابت نفس دعوت و تشویق می‌کند و توجه آدمی را بیش از آن که به انجام عمل و رسیدن به نتیجه معطوف دارد به کیفیت عمل و کسب توانایی انجام آن سوق می‌دهد. ضرب‌المثل «به جای ماهی دادن، به او ماهی‌گیری بیاموز» اشاره به همین نکته مهم دارد.

هرچه ملکه به دست آمده کارآیی و قدرت تأثیر بالاتری داشته باشد، در ارائه این خدمات تواناتر و موفق‌تر است؛ مثلاً ملکه مراجعه به کتب لغت در مقایسه با ملکه اجتهاد شبیه بیلچه و بلدوزر است یا ملکه راه‌رفتن نسبت به ژیمناستیک به منزله داس و کمباین است.

البته محدودیت عمر انسان به او اجازه به دست آوردن همه ملکات را نمی‌دهد. از این رو شایسته است ضریب اهمیت ملکات، شناسایی و سرمایه‌گران‌قدر عمر به توانمندی‌های ضروری و مفید اختصاص یابد.^۲

^۱ حضور ذهن در نماز عبارت است از حفظ تمرکز ذهنی و توجه به معانی و مفاهیم الفاظ و حرکات نماز. اما حضور قلب عبارت است از حفظ حالت روحی انکسار و ذلت و خضوع و کرنش، و توجه قلبی به عظمت خدا.

^۲ برای بررسی بیشتر ویژگی‌های ملکات نفس انسان به فصل چهاردهم از کتاب مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، اثر میتواج السون و بی آر هرگنهان، ترجمه علی اکبر سیف مراجعه کنید.

پیدایش ملکه

برای به دست آوردن ملکات چه باید کرد؟ این سؤال است که در پی آگاهی از فواید عظیم ملکه بلافاصله به ذهن می‌رسد.

گزاره‌های زیر در تلاش برای پاسخ‌گویی به این سؤال گرد هم آمده‌اند:

۱ - تحصیل یا تغییر ملکات برای انسان در هر سن و سال و موقعیتی امکان‌پذیر است؛ گرچه در جوانی بسیار آسان‌تر و دست‌یافتنی‌تر است. حکیم عالی‌قدر امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «انسان مادامی که در این دنیا است به واسطه آن که در تحت تغییرات و تصرفات واقع است، تبدیل هر ملکه‌ای به ملکه‌ای می‌تواند بکند و این که می‌گویند فلان خُلق، فطری و جبلی است و قابل تغییر نیست، کلامی است بی‌اساس و پایه علمی ندارد. و این مطلب علاوه بر آن که در فلسفه، برهانی است و وجدانی نیز هست شاهد بزرگش آن است که در شریعت مطهره، تمام اخلاق فاسده مورد نهی واقع شده است و برای علاج آن‌ها دستور داده شده و تمام اخلاق حسنه مورد امر است و برای تحصیل آن‌ها نیز دستور رسیده است. پس انسان مادامی که حیات دنیوی را از دست نداده، باید قدر آن را بداند و در تحصیل ملکات فاضله که اساس سعادت بر آن‌ها نهاده شده، باید کوشش کند و با هر ریاضتی است پس از قلع ملکات خبیثه از نفس، در تحصیل مقابلات آن‌ها که جنود عقل و رحمان است، باید جان‌فشانی کند ... «^۳ دسته‌ای از ملکات، به نحو غیراختیاری در وجود ما شکل گرفته و ناشی از تعامل ناآگاهانه ما با محیط است. عمده باورها، عقاید، سلیقه‌ها، علاقه‌ها، عادت‌ها، روحیه‌ها، ذوق‌ها، و حساسیت‌های ما برای ما به صورت ملکه در آمده و عمده رفتارهای ما برخاسته از ملکاتی است که با ما متحد شده و شاکله وجودی ما را تشکیل داده است.^۴ این ملکات به اختیار و اراده قابل تغییر است.

۲ - پیدایش ملکه محتاج زمان و تدریجی است و هیچ صفتی یکباره در وجود آدمی پدید نمی‌آید و از بین نمی‌رود. تولد و مرگ ملکات مثل همه حرکت‌ها و تحولات جهان مادی به مرور ایام و در گذشت زمان اتفاق می‌افتد.

همان‌گونه که رشد جسمی انسان نیازمند سال‌های زیادی است و یک‌شبه صورت نمی‌پذیرد، رشد فکری و تعالی روحی او هم یک‌شبه و دفعی انجام‌پذیر نیست. اگر کودک دو ساله‌ای از ما دستورالعملی طلب کند که با پیروی از آن بلافاصله بزرگ شود، به او چه می‌گوییم؟ آیا می‌توان او را به خوردن حجم فراوانی از غذا توصیه نمود؟ این سؤال به همان نسبت غلط است که سؤال از چگونگی به دست آوردن «حضور قلب» در نماز و توقع دستیابی به آن در فاصله چند روز. یا سؤال از چگونگی تسلط بر یک علم یا یک مهارت

^۳ جنود عقل و جهل / ۳۷۹.

^۴ قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكَلَتِهِ (اسرا: ۸۴)

و انتظار تحصیل آن در مدتی ناچیز.

این توقعات نابجا به درک ناقص ما از مفهوم «زمان» بازگشت دارد. نگاه ناتمام ما به نقش ویژه پدیده «زمان» در حوادث عالم منتهی به برنامه‌ریزی‌های شتابزده‌ای می‌شود که جز شکست و سرخوردگی و ناامیدی ارمغانی نداشته و به نتیجه‌ای نمی‌انجامد.^۵

۳ - پیدایش ملکه بر اثر تکرار عمل است. برای به دست آوردن ملکه خوشنویسی باید بسیار نوشت، برای کسب ملکه رانندگی باید رانندگی کرد. تکرار زیاد یک عمل، آن عمل را با تار و پود وجود ما آشنا می‌گرداند و منتهی به ایجاد ملکه می‌شود. «کار نیکو کردن از پرکردن است.» کسی که می‌خواهد به هنر، حرفه، مهارت یا صفتی دست یابد، باید پیای مصادیق آن را تجربه کند، برای کسب صفت شجاعت، هنر، تندخوانی یا مهارت سخنوری تنها آرزو یا دعا کردن کافی نیست، اقدام عملی متعدد شرط ضروری تحصیل این توانمندی‌ها است.

هر بار که عملی را تجربه می‌کنیم یک قدم به ملکه، نزدیک می‌شویم. از تراکم این تجربه‌ها و اقدام‌ها ملکه متولد می‌شود. یک عمل هر گاه به ده‌ها عمل مشابه خود ضمیمه شود توانمندی ثابتی ایجاد می‌کند، همان‌گونه که یک آجر هر گاه به ده‌ها مشابه خود بپیوندد بنای کاملی پدید می‌آورد. بدین ترتیب انجام هر عمل سهم کوچکی در توانمند نمودن نفس دارد. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید:

مَنْ يَعْمَلْ يَزِدَّ قُوَّةً وَ مَنْ يَقْصُرْ فِي الْعَمَلِ يَزِدَّ فَتْرَةً.^۶

هر کس عمل کند نیرویش افزایش می‌یابد و هر کس در عمل کوتاهی ورزد، سستی و ناتوانیش بیشتر می‌شود.

به طور کلی هر یک از قوای انسان که به کار گرفته شود و به فعالیت درآید تقویت می‌شود و هریک معطل و بی‌کار باشد ضعیف و سست، باقی می‌ماند. ماهیچه‌های بدن انسان تنها هنگامی که به حرکت و فعالیت گرفته شود، ورزیده می‌گردد. تقویت حافظه، قوای ذهنی و قدرت اراده نیز در گرو به‌کار انداختن و استفاده کردن از حافظه، ذهن و اراده است. خلاصه آن که ملکه با «انجام عمل» پدید می‌آید و همچنان راسخ و پایدار می‌شود، تا آنجا که صورتی غیر قابل تغییر به خمیرمایه نفس آدمی می‌بخشد.

۴ - گرچه هر عمل به نوعی در پیدایش ملکه نقش دارد، اما تأثیر آن معمولاً به چشم نمی‌آید و احساس نمی‌شود. اگر برای پیدایش ملکه خوشنویسی نوشتن هزار صفحه لازم باشد هر صفحه تنها یک هزارم مسیر را طی می‌کند و لذا پس از نوشتن یک صفحه تغییر قابل توجهی مشاهده نمی‌شود. مسافری که قصد زیارت

^۵ اتفاقاتی که در لحظه، پدیدار می‌شود قبل از پیدایش غالباً ریشه‌های عمیق خود را در زمان فراوانی گسترده است. خلاف این قانون تنها در موارد استثنایی مشاهده می‌شود که عمده معجزه‌ها و کرامت‌ها در ردیف این استثناها قرار می‌گیرد.

^۶ میزان الحکمة، حدیث ۱۴۲۵۹. تأثیر روزه در ایجاد ملکه تقوا و تسلط بر نفس، نتیجه همین حقیقت است. کِتَبَ عَلَیْکُمُ الصَّیَّامُ... لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ.

حرم امام هشتم (ع) را دارد اگر تنها یک قدم پیش رود، نزدیک شدن خود به مشهد مقدس را مشاهده نمی‌کند، اما به هر صورت، واقعاً نزدیک شده‌است. یک ساعت از شب به تهجد و مناجات با مهربان عالم به سر بردن، قطعاً در قرب به خدا تأثیر دارد، اما اثر نامرئی آن تنها در صورتی قابل درک است که به ده‌ها مشابه خود پیوند یابد. از این رو نباید انتظار داشت یک عبادت شبانه، زمین و زمان را به زیر چتر تصرف ما بکشاند، دیده حقیقت‌بین ملکوتی ما را بگشاید و ما را به مقام یقین برساند، همان‌گونه که نباید انتظار داشت با نهادن یک آجر کاخ رفیعی پیش روی ما پدید آید.

این قاعده، ملکات فاسد را هم در بر می‌گیرد؛ هر بار بدنوشتن یک بار تمرین بدخطی است. گرچه تأثیر آن مشاهده نشود. هر تخلف از وعده و پیمان‌شکنی یک قدم به سوی ناجوان‌مردی است، گرچه اثر آن محسوس نیست و هر گناه به منزله یک آجر در تشکیل دیوار بلند عصیان و ملکه فسق و یک نقطه کوچک نامرئی در صفحه سفید قلب. پیامبر خدا (ص) فرمود:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَذْنَبَ كَانَتْ نُكْتَةٌ سَوْدَاءُ فِي قَلْبِهِ، فَإِنْ تَابَ وَ نَزَعَ وَ اسْتَغْفَرَ صَقَلَ مِنْهُ وَ إِنْ أَزْدَادَ زَادَتْ.^۷
هرگاه مؤمن گناهی انجام دهد نقطه سیاهی در قلبش پدید می‌آید، پس اگر توبه و استغفار کند و دست بردارد قلبش از آن نقطه پاک می‌شود و اگر ادامه دهد آن نقطه افزایش می‌یابد.

هر بار پر خوری از سر توجه و آگاهی، صورت باطنی انسان را اندکی به چارپایان شبیه می‌سازد. هر اعمال غیظ و غضب ناشایست، اندکی درنده‌خویی و گرگ‌صفتی را در وجود ما سنگواره می‌کند و ... و آدمی به همان «صورت» محسوس می‌شود که به دست خود برای خویش فراهم آورده‌است.^۸ از زیباترین شگردهای شیطان برخوردار دوگانه او با اعمال خوب و بد ما است. هرگاه انسان عمل بدی انجام دهد، مثلاً مرتکب دروغ یا نگاه حرامی گردد، شیطان تأثیر آن عمل را در نفس انسان بسیار کوچک جلوه می‌دهد و به گونه‌ای وانمود می‌کند که گویا پس از عمل هیچ اتفاقی نیفتاده و هیچ تغییری در جان او پدید نیامده‌است. این وسوسه باعث می‌شود انسان به راحتی عمل زشت خود را بر خود بیخشاید و از انجام مجدد آن هم پرهیز ننماید.

از سوی دیگر هر بار آدمی عمل شایسته‌ای انجام می‌دهد شیطان تأثیر آنرا در نفس او بسیار بزرگ و قابل توجه ترسیم می‌کند و آن چنان وانمود می‌کند که پس از انجام عمل وضعیت انسان بسیار مطلوب و قابل تقدیر گشته و مقام و منزلت او بسی فراتر آمده‌است. این وسوسه باعث می‌شود انسان به عجب و غرور گرفتار شود و از خود به شگفت آید، احساس استغنا کند، به وضعیت موجود خود قناعت ورزد و به فریب کمالات موهوم خویش، از حرکت باز ایستد.

^۷ نورالثقلین ۲۴ / ۵۳۲ / ۵.

^۸ توبه حقیقی از بین بردن آثار ملکات فاسد و محو تبعات اعمال ناشایست است و لفظ «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» صورت باطنی نفس انسان را اصلاح نمی‌کند.

آن گاه اگر با قرائن و شواهدی برایش معلوم شود که عمل کوچک او چنان اثر سترگی در پی نداشته، به واسطه توقع نادرستی که شیطان از آن عمل، ایجاد کرده است مأیوس و سرخورده می‌شود، از تکرار عمل دست بر می‌دارد و از تکامل یا اصلاح خود صرف نظر می‌کند و یا اینکه مقامات بلند انسانی را در قیاس با همت خود انکار می‌کند.

به واقع شیطان در مواجهه با کردار زشت انسان، گزاره سوم (تأثیر قطعی عمل) را کم‌رنگ و کم‌فروغ و گزاره چهارم (نامحسوس بودن اثر هر عمل) را بسیار برجسته و درشت می‌کند و بر خلاف آن در مواجهه با عمل نیک گزاره چهارم را انکار و گزاره سوم را به قوت تأیید و تصدیق می‌کند و این کمال زبردستی و استادی ابلیس ملعون را در فن خود نشان می‌دهد. رَبُّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ^۹

۵ - دوران پیدایش ملکه بر آدمی سخت می‌گذرد؛ زیرا کسی که واجد ملکه نیست توان بسیاری به کار می‌گیرد، توجه و تمرکز فراوانی هزینه می‌کند، زمان قابل توجهی معطل می‌شود اما محصول چندانی به چنگ نمی‌آورد. این مجموعه کافی است تا انسان ضعیف را به ستوه آورد و از زیر بار سنگین عمل بیرون کشد - مگر آن‌که عامل قدرت‌مندی او را به استقامت مجبور نماید یا عشق و علاقه وافر طی این مسیر را بر او هموار کند - چنین کسی هر گاه قصد انجام عمل را می‌کند مسیری طولانی و پرمشقت پیش روی خود می‌بیند و چون پیمودن این مسیر، زحمت و استقامت زیادی می‌طلبد از ابتدا از قصد خود چشم پوشی می‌کند.

مثلاً کسی که قدرت برنامه‌ریزی امور خود را ندارد، گر چه از آشفته‌گی احوال خود رنج می‌برد، ولی تا هنگامی که مجبور نشده باشد، این رنج را تحمل می‌کند و به جای درمان مشکل، خود را با پریشانی و آشفته‌گی وفق می‌دهد و همساز می‌کند این شخص گمان می‌کند تحمل بی‌نظمی و بی‌برنامگی در زندگی از تحمل رنج تمرین و تلاش و مجاهدت برای کسب ملکه برنامه‌ریزی و نظم آسان‌تر است. سختی دوران تحصیل ملکه عمده‌ترین عاملی است که باعث می‌شود انسان از تمرین استقبال نکند و به شاگردی کردن یا دوره‌های آموزشی تمایل نشان ندهد و بیشتر علاقه دارد از آن‌چه در وجودش فعلیتی یافته و به نقد موجود است بهره گیرد.

۶ - پس از پیدایش ملکه علاوه بر سهولت انجام کار، انسان از به کارگیری توانمندی خود لذت می‌برد، زیرا محصول ارزش‌مندی که با تلاش اندک و در زمان کوتاه به دست آمده او و دیگران را به اعجاب می‌آورد.

گاهی که خود را با دیگری مقایسه می‌کند نشاط بیشتری می‌گیرد و به خودنمایی و فخرفروشی ترغیب می‌شود و هر گاه مقایسه‌ای در کار نباشد، چون مسیر کوتاهی برای رسیدن به مطلوب در پیش دارد شوق و انگیزه بیشتری برای عمل در خود می‌یابد از این رو بسیار مشتاق است ملکه خود را تجربه کند و یا با

دیگران به مسابقه و زورآزمایی نشینند.

۷ - غالباً آغاز حرکت برای کسب یک توانمندی با ناکامی و شکست همراه است. اشتباه و تجربه ناموفق در ابتدای مسیر امری کاملاً طبیعی و قابل پیش بینی است کودکی که مهارت راه رفتن را تمرین می‌کند - تا تسلط کامل بر این توانایی - افت و خیزهایی در پیش دارد، نوجوانی که آشپزی می‌آموزد، احتمالاً بارها با غذای شلّه یا سوخته مواجه می‌شود، شناگر تازه کار هر چه تلاش و دقت کند، جرعه‌هایی از آب خواهد نوشید. زوج جوانی که روزهای اول زندگی خانوادگی را تجربه می‌کند - تا به دست آوردن قدرت برخورد صحیح - باید منتظر اشتباهات بزرگ باشد و مدیری که اولین تجربه مدیریت خود را ارائه می‌دهد - هر چند دقت و توجه به خرج دهد - به طور طبیعی در مواردی اشتباه می‌کند.

۸ - هر چه مراحل تکوین یک ملکه با توجه و دقت بیشتری انجام پذیرد، سهم بیشتری در پیدایش آن ملکه دارد؛ مثلاً صفحاتی که با نشاط و حوصله نوشته می‌شود در ایجاد هنر خوشنویسی تأثیر افزون‌تری دارد و قدم بزرگتری محسوب می‌شود.

به همین جهت کسانی که در همه اعمال و رفتار خود دقت و تأمل به خرج می‌دهند، گرچه به ظاهر سرعت عمل کمتری دارند و دیرتر به نتیجه می‌رسند اما پس از به دست آوردن توانمندیهای مختلف، به سرعت از همراهان خود پیشی می‌گیرند. از جمله این توانمندی‌ها ملکه دقت، اندیشمندی، تأنی و پرهیز از شتاب‌زدگی است که برکات فراوان خود را به تدریج نشان خواهد داد.^{۱۰}

قال رسول الله (ص): «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عَبْدًا إِذَا عَمِلَ عَمَلًا أَحْكَمَهُ»^{۱۱} و قال: «إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا فَلْيَتَّقِنِ»^{۱۲}

«خداوند بنده‌ای را دوست دارد که هر گاه کاری انجام می‌دهد آنرا استوار و محکم سازد»، «هر گاه کسی از شما کاری می‌کند باید آنرا شایسته و متقن انجام دهد».

با گسترش توانمندی‌ها، به مرور «به دست آوردن ملکات جدید» و انس گرفتن با فضاهای تازه نیز برای انسان آسان می‌شود. (البته در صورتی که نوعی همسویی با ملکات سابق داشته باشد).

۹ - تفکر و برنامه‌ریزی، طی مسیر تحصیل ملکه را بهبود می‌بخشد. آگاهی از فرمول‌های حاکم بر آن توانمندی، استفاده از تجربه دیگران، مشاوره و داشتن استاد، مدت زمان تحصیل ملکه را کوتاه می‌کند و افت و خیزها و اشتباهات را به کمترین مقدار کاهش می‌دهد.

^{۱۰} این اعمال دقت نباید به حد وسواس برسد. گاهی لازم می‌شود از دقت و مؤونه یک برنامه کاسته شود تا اصل آن غیر قابل اجرا به نظر نرسد و

برای اقدام و پی‌گیری آماده‌تر باشد.

^{۱۱} وسائل الشیعه ۸۸۴ / ۲.

^{۱۲} وسائل الشیعه ۸۸۲ / ۲.

۱۰ - طی تمام مراحل تحصیل ملکه - بدون استثنا - بر عهده خود انسان است و انسان تنها با اراده و اختیار و تلاش خود به ملکه نزدیک می‌شود. استاد، هیچ نیرویی در وجود شاگرد ایجاد نمی‌کند و باری از دوش او بر نمی‌دارد.

أَنْ لَا تَزِرَ وَزِرَةً وَّزْرًا أُخْرَىٰ وَ أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَ أَنْ سَعِيهِ سَوْفَ يَرَىٰ ثُمَّ يَجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَىٰ^{۱۳}

«هیچ بردارنده‌ای بار دیگری را به دوش نمی‌گیرد و برای انسان جز آن‌چه تلاش کرده‌است نمی‌باشد، کوشش او دیده خواهد شد سپس پاداش کامل به او داده خواهد شد.»

تحمیل و اجبار استاد هم اگر انگیزه‌بخش نباشد، فایده‌ای ندارد، زیرا عملی که تنها به قصد رفع تکلیف و با حداقل توجه و عنایت انجام می‌شود تأثیر بسیار کمی در نفس دارد. برای درک این نکته به مراحل تکوین ملکه خوشنویسی یا نویسندگی دقت کنیم. تا هنگامی که قواعد خوشنویسی یا نویسندگی توسط شخص، با رغبت و دقت به کار گرفته نشود، تلاش استاد به نتیجه‌ای نمی‌انجامد، استاد فقط راهی را که انسان باید با پای خویش بی‌ماید به‌خوبی به او نشان می‌دهد اما پیمودن آن را نمی‌تواند بر عهده بگیرد و ضمانت کند. و در یک کلام استاد تنها «راهنما» است و نه «راهبر».

بنابراین ارشاد اساتید اخلاق در زمینه کسب حضور قلب در نماز یا اخلاص در عمل باید با تمارین فراوان عملی همراه شود تا ملکه حضور قلب یا اخلاص را در جان آدمی شکل دهد. طبیعتاً هر فرد پس از تجربه عملی و تلاش شخصی کاستی‌ها و ناتوانی‌های خود را با وضوح بیشتری می‌بیند و زمینه بهره‌گیری افزون‌تر از استاد برایش فراهم می‌گردد.

پیوند اکید میان «علم» و «عمل» در مجموعه معارف دینی ناظر به همین واقعیت است.^{۱۴}

۱۱ - پس از تشکیل ملکه در وجود آدمی به‌کارگیری آن و بهره‌مندی از آثار و فواید آن نیز به اختیار انسان است. ممکن است کسی ملکه سحرخیزی داشته باشد ولی با سستی و کاهلی از برکات سحر محروم ماند. یا کسی ملکه خوشنویسی داشته باشد ولی از آن استفاده نکند و بدخط بنویسد. خوشنویسی گرچه برای هنرمند خطاط آسان است اما به اندازه خود، توان و همتی می‌طلبد. اگر هنرمند خوشنویس از صرف همین توان اندک دریغ ورزد ملکه خود را معطل و بی‌فایده واگذاشته‌است و اگر در نوشتن تابلوها بی‌دقتی و کم‌حوصلگی نماید بعید نیست که در گذر زمان و با تکرار عمل، بی‌دقتی و شتاب‌زدگی در وجود او به صورت عادت درآید. به کارگیری مداوم توانمندی‌ها علاوه بر بهره‌مندی از نتایج کار، ملکه پرکاری، سخت‌کوشی، فعالیت، استقامت و نشاط را در وجود آدمی ایجاد می‌کند و سستی، کاهلی، تنبلی و کسالت را

^{۱۳} نجم ۳۸: ۵۳ تا ۴۱.

^{۱۴} به میزان الحکمه ذیل عنوان «علم» مراجعه شود.

از بین می‌برد.

۱۲ - تا قبل از پیدایش کامل یک ملکه، تمرین و تلاش باید استمرار داشته باشد و اگر در نیمه راه قطع شود، رشد ملکه متوقف می‌گردد. مثلاً کسی که «تجوید و تلاوت قرآن» را تمرین می‌کند، یا کسی که در کلاس درس «آموزگاری» را تجربه می‌کند، اگر موفقیت نسبی خود را کافی بداند در همان مرحله، از حرکت باز می‌ایستد و توان او در همان حد باقی خواهد ماند.

پیش از این نیز گفته شد که انسان غالباً از بار تلاش و مجاهدت شانه خالی می‌کند و بیشتر علاقه‌مند است از دارایی‌های نقد و فعلیت‌های وجود خود بهره‌گیرد. همین علاقه‌مندی، وضعیت موجود شخص را در نظرش، شایسته و بایسته جلوه می‌دهد، او را به حال فعلی خود قانع می‌کند و از پیش رفت و تعالی مانع می‌شود. از این رو لازم است انسان، ارتباط مداومی با شخصیت‌های موفق و ممتاز هر رشته - که مطلوب اوست - برقرار نماید و همواره خود را با ایشان مقایسه کند تا موفقیت نسبی او در طول زمان افزایش یابد. از مجموع مباحث گذشته چند نتیجه حاصل می‌گردد.

اول: مداومت و استمرار

پیشوای متقین علی (ع) فرموده‌اند:

قَلِيلٌ تَدْوَمٌ عَلَيْهِ أَرْجَى مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُولٍ مِنْهُ^{۱۵}

کار کمی که بر آن مداومت ورزی از کار بسیاری که از آن دلزده و ملول شوی بهتر و امیدوارکننده‌تر است.

پس از درک این نکته که تأثیر عمل به نحو تدریجی و در طول زمان ظاهر می‌شود و به‌دست آوردن ملکه محصول تکرار عمل است، ارزش «مداومت» و «استمرار بر عمل» به‌خوبی آشکار می‌شود. مطابق سخن امیرالمؤمنین (ع):

- چند دقیقه نرمش که روزانه به صورت مداوم انجام گیرد ارزش‌مندتر از چند ساعت ورزش سنگین است که تنها به مقطع زمانی خاصی منحصر شود.

- تلاوت یک حزب قرآن در هر روز اگر استمرار داشته باشد امیدوارکننده‌تر و پربهره‌تر از تلاوت چند جزء قرآن در یک روز است که موجب دلزدگی شود و ادامه نیابد.

- دو رکعت نماز پیش از اذان صبح اگر مداوم و مستمر باشد بسیار مؤثرتر از چند ساعت عبادت شبانه است که فردا تکرار نگردد.

- اندکی مطالعه اگر به صورت برنامه هر روز اجرا گردد مفیدتر از چند ساعت مطالعه دفعی است که

^{۱۵} نهج البلاغه، قصار الحکم ۲۷۸. در روایت دیگر حکمت ۴۴۴ آمده است «قَلِيلٌ تَدْوَمٌ عَلَيْهِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُولٍ مِنْهُ»

آینده‌ای نداشته و ترک شود و ...

قالَ الْبَاقِرُ (ع): أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مَا دَامَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ وَإِنْ قَلَّ.^{۱۶}

محبوب‌ترین عمل در پیشگاه ایزد متعال، عملی است که بر آن مداومت شود گرچه اندک باشد.

رهرو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود

رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود

دوم: تدریج

قالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): يَا أَيُّهَا النَّاسُ خُذُوا مِنَ الْأَعْمَالِ مَا تُطِيقُونَ^{۱۷}

آن مقدار از عمل که توان دارید بگیرید.

برنامه عملی که هر کس برای خود در موضوعات مختلف تدارک می‌بیند باید با توان فعلی او تناسب داشته باشد و توان انسان در ابتدای انجام هر کار بسیار کم است. تکلیف و تحمیل به نفس - یا به دیگری - اگر از حد طاقت درگذرد، به عمل تبدیل نمی‌شود و یا استمرار نمی‌یابد و در موارد بسیار، آسیب می‌رساند همان‌گونه که آغاز تمرین وزنه‌برداری با وزنه‌های سنگین به ستون فقرات، صدمه وارد می‌سازد و یا دست‌کم، رغبت و اشتیاق استمرار آن را از بین می‌برد. به این جهت ضروری است افزایش تعداد وزنه‌ها متناسب با افزایش توانایی فرد و به «تدریج» باشد تا پیامد سوئی ایجاد نکند.

توصیه به تدریج دارای دو چهره است:

اول: چهره سلبی که «بیش از توان خود در هر مرحله بر خود تکلیف نکنید».

دوم: چهره ایجابی که «هرگاه توانایی و قابلیت نفس افزایش یافت تکلیف را بیفزایید یعنی تکلیف، کمتر

از توانمندی نفس هم نباشد».

ترکیب این دو گزاره توصیه به «اعتدال» در برنامه‌ریزی است. گزاره سلبی ناظر به پیامدهای سوئی است

که بیان شد و گزاره ایجابی به لزوم «حرکت مداوم» و پرهیز از «سکون»، «رکود»، «قناعت به وضعیت

موجود» و «احساس استغنا» اشاره دارد. سفارش بعضی از علمای اخلاق برای اقامه نماز شب چنین است:

«در ابتدا نیم ساعت قبل از اذان صبح بیدار شوید و پس از مقداری توجه و ذکر بخوابید. یک هفته بر

این امر مداومت کنید پس از آن، یک هفته دیگر این برنامه را اجرا کنید؛ بلافاصله بعد از بیدار شدن وضو

بگیرید و سپس بخوابید. هفته بعد پس از بیدار شدن و وضو یک رکعت نماز وتر را بجا آورید. مدتی بعد

علاوه بر نماز وتر، دو رکعت نماز شفع را هم ضمیمه کنید. پس از چندی رکعات دیگر را هم بیفزایید و ...

^{۱۶} کافی ۸۲ / ۲. در کتب روایی، احادیث فراوانی در این موضوع جمع‌آوری شده است. برای آشنایی با این روایات از جمله مراجعه شود به میزان

الحکمة، ذیل عنوان «عمل».

^{۱۷} میزان الحکمة: ۱۴۰۱.

در این گونه برنامه‌ریزی به خوبی، اصل مداومت و تدریج رعایت شده‌است. در واقع این توصیه به ما گوشزد می‌کند که «نماز شب خوان شدن» ارزنده‌تر از «نماز شب خواندن» است و به‌دست آوردن ملکه و توانمندی عمل زیباتر از انجام عمل.

البته روشن است که توان اولیه افراد و نیز مقدار زمانی که برای انتقال به مرحله بعد لازم است در شرایط مختلف، متفاوت است. اما به هر صورت برنامه، باید درجه به درجه سنگین شود.

قلب سلیمی که زنده‌دلان و خودساختگان پس از یک عمر ریاضت و تلاش به‌دست آورده‌اند یک‌باره یا یک‌شبه به‌دست نمی‌آید. خودسازی امری زمان‌دار و تدریجی است و حوصله و مجاهدت طولانی نیاز دارد. انتظارات و توقعات ما، اگر با این واقعیت هماهنگ نباشد جز آرزویی دست‌نیافتنی و خیالی باطل نیست.

سوم: حفظ رغبت نفس

قالَ عَلِيٌّ (ع): خَادِعَ نَفْسِكَ فِي الْعِبَادَةِ وَ أَرْفَقَ بِهَا وَ لَا تَقْهَرِهَا وَ خُذْ عَفْوَهَا وَ نِشَاطَهَا، إِلَّا مَا كَانَ مَكْتُوبًا عَلَيْكَ مِنَ الْفَرِيضَةِ فَإِنَّهُ لَا بُدَّ مِنْ قَضَائِهَا وَ تَعَاهُدِهَا عِنْدَ مَحَلِّهَا. ^{۱۹}

در عبادت و بندگی، نفس خود را بفریب. با او مدارا نما و مقهورش مدار (تکلیف سخت به او مکن) و هنگام فراغت و نشاطش آن را دریاب (به طاعت و بندگی وادار) مگر آنچه بر تو واجب است که از بجا آوردن آن و مراعات نمودن آن در وقتش چاره‌ای نیست.

قالَ عَلِيٌّ (ع): إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَ إِدْبَارًا فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى النَّوَافِلِ وَ إِذَا أُدْبِرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ. ^{۲۰}

برای دلها اشتیاق و اعراض (آمادگی و ماندگی) است. پس هرگاه رو کرد آن را به انجام مستحبات وادارید و هرگاه رو برگرداند به انجام واجبات اکتفا کنید. ^{۲۱}

^{۱۸} غرض از این نقل قول ارائه برنامه عملی برای عموم نیست. این توصیه، مخاطب ویژه‌ای دارد و تنها به عنوان مؤید برای اصل کلی تدریج در این جا ذکر شده‌است.

^{۱۹} نهج البلاغه، نامه ۶۹.

^{۲۰} نهج البلاغه، حکمت ۳۱۲.

^{۲۱} امام رضا (ع) نیز می‌فرماید: إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَ إِدْبَارًا وَ نِشَاطًا وَ فَتُورًا، فَإِذَا أَقْبَلَتْ بَصُرَتْ وَ فَهِمَتْ وَ إِذَا أُدْبِرَتْ كَلَّتْ وَ مَلَّتْ، فَخُذُوا عِنْدَ إِقْبَالِهَا وَ نِشَاطِهَا وَ اِتْرُكُوهَا عِنْدَ إِدْبَارِهَا وَ فَتُورِهَا (میزان الحکمة ۱۶۹۶۲) برای دلها اقبال و ادبار و نشاط و سستی است. پس هرگاه قلب رو کند (و با نشاط باشد) می‌بیند و می‌فهمد و هرگاه پشت کند خسته و افسرده شود. پس هنگام اقبال و نشاط، آن را دریابید و هنگام ادبار و سستی آن را واگذارید.

و عَنْ عَلِيٍّ (ع): إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَبْدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمِ. این دل‌ها به ستوه آمده و خسته می‌شوند چنان که بدن‌ها خسته و درمانده می‌شوند، پس برای آن، حکمت‌ها و دانش‌های تازه و شگفت بطلبید. (میزان الحکمة: ۱۶۹۶۴)

چند ساعت مطالعه پایایی - حتی اگر به سردرد و پریشانی نرسد - چون به تکلف و تحمیل، انجام گرفته، طراوت و نشاط و رغبت ما را به مطالعه کتاب از بین می‌برد. اما توزیع همین چند ساعت بر زمان، امید استمرار آن را افزایش می‌بخشد و نشاط و علاقه ما را حفظ می‌کند.

بزرگان اخلاق می‌فرمایند: اگر علاقه به اقامه ۱۰ رکعت نماز مستحبی دارید ۱۲ رکعت نخوانید؛ زیرا دو رکعت پایانی که به تحمیل و با فشار و بی‌حوصلگی انجام گرفته، خاطره ناخوشایندی از خود در ذهن ما باقی می‌گذارد. همین تصویر نامبارک و آزاردهنده، انگیزه و اشتیاق و طلب ما را برای تکرار عمل کم می‌کند. اما اگر هشت رکعت خوانده شود، لذتی که از این عمل زنده و پرتراوت تجربه می‌شود دو نتیجه در پی دارد:

اول: پیدایش تصویری دل‌انگیز و خاطره‌ای شیرین در ذهن.

دوم: پایداری شوق و عطش و تقاضا برای تکرار عمل در دل.

این توصیه شبیه توصیه به دست برداشتن از غذا قبل از سیر شدن است و علاوه بر عبادت در برنامه‌های دیگر نیز باید رعایت شود.

از جمله اموری که رغبت و اشتیاق نفس را حفظ می‌کند، انجام دقیق برنامه و بالا بردن کیفیت عمل است. دانش‌آموزی که در تمام جلسات درس به موقع حضور یافته، قبل و بعد از درس مطالعه کافی نموده و تمارین هر بحث را در دفتری آراسته و منظم نوشته‌است، برای حضور در کلاس اشتیاق بیشتری دارد. این نکته گرچه ما را به اهمیت التزام عملی به وظیفه و دقت در کیفیت انجام کار متوجه می‌سازد. اما نباید برای کسانی که به هر دلیل ناموفق بوده‌اند و پاره‌ای از مراحل پیدایش ملکه را وانهاده‌اند، موجب دلسردی و ناامیدی شود. اقدام عملی انسان از هر کجا آغاز شود نتیجه‌بخش و مؤثر است و هرگز تباه و ضایع نمی‌شود. خداوند متعال می‌فرماید:

إِنِّي لَأُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ^{۲۲}

از امور دیگری که به حفظ اشتیاق و نشاط نفس کمک می‌کند معاشرت و ارتباط با چهره‌های موفق و ممتاز یک رشته است که در این باره در آینده سخنی خواهیم داشت.

و نیز تسهیل برنامه و پیراستن آن از امور غیر ضروری و زائد - که اصل طرح را بزرگ و غیرعملی جلوه می‌دهد - در ایجاد انگیزه و اشتیاق مفید است.

چهارم: استقامت

قال أمير المؤمنين علي (ع): العمل، العمل. ثمَّ النَّهْيُ، النَّهْيُ، وَالْإِسْتِقَامَةُ، الْإِسْتِقَامَةُ.^{۲۳}

^{۲۲} آل عمران ۱۹۵ / ۳.

^{۲۳} نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

پیش از این گفته شد که تحصیل ملکه در گرو تکرار فراوان عملی است که دارای این مختصات است: توان بسیاری می‌طلبد، زمان زیادی می‌گیرد، توجه و دقت قابل توجهی هزینه می‌کند و بازده مطلوبی ندارد و خلاصه پرزحمت و دشوار است.

برای درک این قضیه، استدلال پیچیده‌ای نیاز نداریم. آموزش هنرها، حرفه‌ها و مهارت‌ها معمولاً در ابتدا با شوق و اشتیاق فراوان همراه است ولی پس از مدتی تجربه نسبتاً مشکل و به‌ظاهر کم‌اثر، رغبت‌ها و انگیزه‌ها فرسایش می‌یابد و همت‌ها به کاستی می‌گراید. مثلاً در آغاز دوره آموزشی تندخوانی اگر پنجاه نفر حضور داشته باشند در پایان آن، تعداد افراد به مراتب کاهش یافته‌است. پاره‌ای از افراد باقی‌مانده نیز به سطوح پایین این مهارت بسنده می‌کنند و از پیشرفت و حرکت باز می‌ایستند مگر آن که نوعی اجبار و تکلیف، التزام آنان را ضمانت کرده باشد و یا با توصیه مداوم و توجه دادن افراد به نتایج و برکات این تلاش، انگیزه فرسایش یافته‌شان ترمیم شود.

کسب ملکات روحی نیز همین گونه‌است. به‌دست آوردن ملکه «تقوا» و «تسلط بر نفس» در آغاز راه محدودیت‌هایی دارد. مثلاً نیازمند کنترل شدید اعضا و جوارح و بازداشتن آن از پرخوری، پرخوابی، پرگویی و بهره‌مندی بیش از اندازه از لذت‌های دنیوی است و مجاهدت و تلاش درخوری می‌طلبد و لذا از آن به «جهاد اکبر» تعبیر شده است.

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا.^{۲۴}

ای انسان (تو در راه خود) به سوی خدا در تلاش و مشقتی.

این مجاهدت، «پایداری»، «استواری»، «استقامت» و «پشتکار» نیاز دارد. خدا می‌فرماید:

وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَىٰ الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا^{۲۵}

و اگر بر طریق (حق) استقامت می‌ورزیدند به آن‌ها آب فراوان (و روزی وسیع) عطا می‌کردیم.

یکی از مصادیق مهم مفهوم «صبر» در فرهنگ اخلاقی اسلام، استقامت و پایداری در انجام وظیفه است که با یادآوری و توصیه دیگران تقویت و بارور می‌شود.

وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ.^{۲۶}

توصیه به استقامت، توصیه به اعمال جدیت و قاطعیت، در به‌کارگیری توانمندی‌ها و استفاده از سرمایه‌ها است.^{۲۷}

^{۲۴} انشقاق ۶: ۸۴

^{۲۵} جن ۱۶: ۷۲. و نیز رجوع شود به احقاف ۱۳: ۴۶ و هود ۱۱۲: ۱۱.

^{۲۶} عصر ۳: ۱۰۳.

^{۲۷} برای تفصیل این بحث رک: گفتاری پیرامون صبر، علی حسینی خامنه‌ای.

پنجم: اقدام (پرهیز از تسویف)

تسویف و عقب انداختن عمل همیشه ناشی از این تصور است که بعداً فرصتی برای جبران و انجام عمل وجود دارد. اگر به خوبی متوجه اهمیت ملکات شده باشیم باید قدر ظرفیت‌های زمانی را بهتر بشناسیم و عمل را به تأخیر نیندازیم. زیرا تأخیر عمل فرصت به دست آوردن ملکه را برای ما محدودتر می‌سازد و ظرف زمانی ما را کوچک‌تر می‌کند تا به جایی که تحصیل ملکه در آن ننگند. مثلاً ترک مطالعه و مباحثه در شب‌های درسی موجب می‌شود روز به روز ما به ایام امتحان نزدیک شویم و ظرف زمانی لازم برای آموزش کامل علوم برای ما تنگ شود. با فرارسیدن شب امتحان تنها چند ساعت وقت برای فراگرفتن انبوهی از مطالب باقی می‌ماند که این ظرف زمانی اندک گنجایش آن حجم عظیم از فعالیت را ندارد و به محرومیت ما می‌انجامد. ترک خودسازی و عقب انداختن آن موجب از دست رفتن فرصت‌ها می‌شود تا جایی که زمان، اجازه بهره‌برداری کامل را از ما سلب می‌کند. با ظهور امام عصر (عج) یکبارہ نمی‌توان در زمره سربازان توانمند ایشان قرار گرفت. منتظران فرج آن حضرت باید بسیار قبل از آمدن آن حضرت در اصلاح خود و کسب توانمندی‌های جسمی، علمی، اخلاقی و اجتماعی کوشیده باشند.

سستی و کوتاهی در تربیت فرزند آرام آرام به پیدایش ملکات ناشایسته در وجود او می‌انجامد. پس از چندی ظرف زمانی پیش روی والدین برای تربیت فرزند چنان تنگ می‌شود که جز برای حسرت و پشیمانی گنجایش ندارد.

xxx

آنچه تاکنون ذکر شد اصول و قواعد عامی است که هم تربیت خویش، هم تربیت دیگران و هم تحولات اجتماعی را پوشش می‌دهد. در طراحی برنامه‌های فرهنگی و تربیتی نیز باید همه این آگاهی‌ها ملاحظه شود. مثلاً مربی یا استادی که می‌خواهد به دیگری هنری بیاموزد باید ناتوانی‌های او را به خوبی در نظر گیرد و متوجه طول زمان لازم برای کسب آن توانمندی باشد. هر پدر و مادری باید بداند که از برداشتن ترکه تا فرود آمدن آن، فرصت مناسبی برای تحصیل یا اصلاح ملکات اخلاقی نیست!

پدر و مادر یا مربی باید با مربی خود تا رسیدن به مقصد با سعه صدر و تحمل «همراهی» کند و توقع‌ها و انتظارات خویش را متناسب با توان او تعدیل نماید. مفهوم اخلاقی «مدارا» و «رفق» فرزند طبیعی همین واقعیت‌ها است.